

آرزومندی مؤمنانه*

آیت‌الله محمدتقی مصباح

چکیده

این مقاله شرح و تفسیری بر مناجات «امیدواران» امام سجاد علیه السلام می‌باشد. «آرزو» درخواست امری دور از دسترس است که تحقق آن نیازمند تلاش مضاعف باشد، ولی «رجا» و «امید» درخواست اموری است که مقدمات آن فراهم می‌باشد. هرچند آرزوی طولانی به خودی خود، مذموم نیست و از کلام امام سجاد علیه السلام به دست می‌آید که این‌گونه آرزوها در امور معنوی مطلوب است، اما در امور دنیایی آرزوهای بلند مذموم و ناپسند است.

شایسته است آن‌گاه که بنده مقابل خدای متعال قرار می‌گیرد، همه نعمت‌های دنیوی و اخروی را از او بخواهد؛ درخواست آرزوهای بلند از خدای متعال بر بندگان عیب نیست؛ بلکه درخواست امور ناچیز دنیایی از خدای متعال ناپسند می‌باشد. این مقاله به تفصیل به کم و کیف داشتن آرزوهای انسان و چگونگی و نیز بایدها و نبایدهای آن می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: امید، امل، آرزو، درخواست، گستره امید، آرزوهای اخروی، آرزوهای دنیوی.

مقدمه

می‌رود که مقدمات و اسباب لازم برای تحقق مطلوب فراهم است و از این نظر امید به مطلوب معقول و منطقی است. البته گاهی در فارسی «امل» چون «رجا» به «امید» نیز ترجمه می‌شود و در فراز مزبور از مناجات نیز به معنای امید به کار رفته است. در قرآن نیز مشتقات «امل» به کار رفته است و از جمله خداوند درباره آرزوهای باطل و بیهوده برخی از نصاری و یهود که تنها خود را لایق بهشت می‌دانستند، می‌فرماید: ﴿وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَى تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (بقره: ۱۱۱)؛ و گفتند: هرگز به بهشت نرود، مگر کسی که یهودی یا ترسا باشد. اینها آرزوی آنهاست، بگو: اگر راست می‌گویید، برهان و دلیل خویش را بیاورید.

«اناخ» که از «نوخ» اشتقاق یافته، در جمله «اناخ بیابک» به معنای سکنی و اقامت گزیدن در سرای خداست. این تعبیر از «انخت الجمل» گرفته شده که به معنای خواباندن شتر در موضعی است که برای مهار کردن و خواباندن شتر به کار رفته است. «ندا» به معنای آواز بلند و صیحه‌زدن است و از این نظر، «ندا» خواندن با صدای بلند است. همچنین «الخیبة» در فراز مزبور به معنای از دست دادن مطلوب و حرمان و خسران است.

بازشناسی آرزوی مطلوب و آرزوی نکوهیده

با توجه به آنکه در این مناجات از امل و آرزو سخن به میان آمده، این سؤال مطرح می‌شود که آیا آرزو، و از جمله داشتن آرزوی طولانی و دراز، پسندیده و یا مذموم می‌باشد؟ در پاسخ می‌توان گفت: آرزو کردن به خودی خود مذموم نیست و از کاربرد «امل» و «منا» در این مناجات به دست می‌آید که اگر متعلق آرزو و حتی آرزوی

امام سجاد(علیه السلام) در طلوعه مناجات امیدواران^(۱) می‌فرمایند: «یا من اذا سئله عبد اعطاه، و اذا امل ما عنده بلغه مناه، و اذا اقبل علیه قرّبه و ادناه، و اذا جاهره بالعصیان ستر علی ذنبه و غطّاه، و اذا توکل علیه احسبه و كفاه. الهی من الّذی نزل بک ملتتمساً قراک فما قرّبتّه، و من الّذی اناخ بیابک مرتجیا نداک فما اولیتّه؟ أیحسن ان ارجع عن بابک بالخیبة مصروفاً، و لست اعرف سواک مولی بالاحسان موصوفاً؟؛ ای خدایی که هرگاه بنده‌ای از او چیزی درخواست کند به او عطا می‌کند، و هرگاه امید و چشمداشتی به آنچه نزد اوست داشته باشد، به امیدش رهنمون می‌سازد، و هرگاه بنده‌ای آهنگ او کند و بر او روی آورد، او را به جوار و قرب خویش بار می‌دهد، و هرگاه بی‌پرده به معصیت و نافرمانی او پردازد، برگناهِش پرده افکند و پوشاند، و آن‌گاه که بنده بر او توکل کند امورش را کفایت کند. خدایا، کیست که بر تو وارد گردد و درخواست ضیافت تو را داشته باشد و تو او را به ضیافت خویش بار ندهی؟ و کیست که با امید به فضل و احسان تو بر درگاهت فرود آمد و محرومش ساختی؟ آیا سزد که من ناامید و دست خالی از درگاهت بازگردم، در صورتی که من مولایی که به احسان و لطف معروف باشد جز تو نمی‌شناسم؟

ابتدا برخی از واژه‌های این دعای شریف را توضیح می‌دهیم. «امل» که در فارسی «آرزو» ترجمه می‌شود، به معنای امید به امری دور از دسترس است که هنوز مقدمات و اسباب آن فراهم نیامده و تحصیل آن مقدمات نیازمند تلاش فراوان و همت زیاد و صرف وقت بسیار و انتظار طولانی است. در مقابل، «رجا» در موردی به کار

است و بسا چیزی را خوش ندارید و آن برای شما خوب باشد و بسا چیزی را دوست دارید و آن برای شما بد باشد و خدا [صلاح شما را] می‌داند و شما نمی‌دانید.

بنابراین، امید بستن و آرزو کردن خیر واقعی صحیح است، نه آرزو کردن خیرهای ظنی و پنداری مربوط به امور دنیا که انسان به گمان باطل خود آنها را خیر می‌داند و شدیداً به آنها دلبسته است، در حالی که در واقع خیر نیستند. قرآن درباره این گرایش و دلبستگی باطل انسان می‌فرماید: ﴿وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾ (عادیات: ۸)؛ و به راستی وی سخت مال‌دوست است. برخی از مفسران گفته‌اند که خیر در آیه شریفه به معنای مال است و معنای آیه این است که انسان بسیار مال‌دوست و بخیل و تنگ‌نظر است. برخی نیز گفته‌اند که دوستی شدید مال انسان را وادار می‌کند که از دادن حق خدا امتناع ورزد و مال خود را در راه خدا انفاق نکند.^(۳)

اگر مال از راه صحیح به دست آید و در راه صحیح و خیر صرف گردد، خیر و نیکوست. اما برخی می‌پندارند مال مطلقاً خیر است و تفاوت نمی‌کند که از چه راهی به دست آید و در چه راهی مصرف گردد. برخی در مقام تعارض و تزاحم بین دو چیز مطلوب به خطا می‌روند و مرجوح را بر راجح و خیر محدود و زودگذر را به خیر دیرپای و با آثار ماندگار ترجیح می‌دهند. از این جهت، خیر ناچیز و محدود دنیا را بر خیر ابدی آخرت ترجیح می‌دهند و منطقشان این است که نباید نقد را فدای نسیه کرد و چون دنیا نقد است و آخرت نسیه، باید نقد را غنیمت شمرد و دنیا را برگزید و از آخرت چشم پوشید. در صورتی که منطق عقل حکم می‌کند که گاهی انسان نسیه را بر نقد ترجیح دهد و بر اساس این منطق، انسان در امور دنیایی و زندگی روزمره خود گاهی نقد را فدای نسیه می‌کند. کارگری که تن به کار می‌دهد و دانش‌آموزی که

طولانی امور معنوی و اخروی باشد، امری پسندیده و مطلوب است و اگر در برخی از روایات از داشتن آرزوی طولانی نکوهش شده، متعلق آن آرزوی دنیا و لذت‌های پست آن است که انسان را از رسیدن به تعالی و پیشرفت در مسیر کمال بازمی‌دارد. امیرمؤمنان علیه السلام در نکوهش از چنین آرزویی می‌فرماید: «إِيهَا النَّاسُ إِنَّ اخْوَفَ مَا اخْأَفَ عَلَيْكُمْ إِثْنَانُ: اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَطَوْلُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طَوْلُ الْأَمَلِ فَيَنْسِي الْآخِرَةَ»؛^(۲) ای مردم، از دو چیز بیش از هر چیز بر شما ترسانم: پیروی از هوای نفس و آرزوی دراز. اما پیروی از هوای نفس و اطاعت از شهوات، آدمی را از حق جدا کند و از برکات آن محروم سازد، و اما آرزوی دراز، رستاخیز را از یاد برد.

خاستگاه فطری آرزو و تفکیک خیر واقعی از خیر پنداری

صرف‌نظر از آنچه در آیات و روایات مطرح شده و از مباحث اخلاقی استفاده می‌شود، آیا امیدواری و پیگیری هدف‌های بلند و درازمدت شایسته است؟ آیا انسان باید به دنبال کارهایی باشد که زود نتیجه می‌دهد و آرزوی کارهایی را که دیر نتیجه می‌دهد و مقدمات فراوان و طولانی دور از دسترس دارد، از سر بیرون کند؟ پاسخ این است که انسان طالب خیر است، هرچند آن خیر بسیار دور از دسترس انسان باشد و طلب خیر چون امری فطری است پسندیده می‌باشد. چیزی که هست گاهی انسان در شناخت مصادیق خیر اشتباه می‌کند و آنچه را که شر است خیر می‌پندارد و بالعکس آنچه را که خیر است شر می‌پندارد: ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (بقره: ۲۱۶)؛ بر شما کارزار واجب شده است، در حالی که برای شما ناگوار

درس می‌خواند و پژوهشگری که به امر پژوهش می‌پردازد، براساس همین منطق برای کسب ثروت و موقعیت علمی و اجتماعی، از راحتی‌ها و بسیاری از لذت‌ها می‌گذرند و محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی را بر خود هموار می‌کنند.

ارزش پی‌جویی خیر و اهداف ارزشمند و امید بستن به آنها

با توجه به آنچه گذشت، انسان باید طالب خیر واقعی باشد و به وسیله عقل و آموزه‌های قرآنی و روایات خیر واقعی را بشناسد و درصدد تأمین آن برآید. بی‌تردید امید بستن به خیر واقعی و آرزوکردن آن مطلوب و پسندیده است. آنچه مورد نکوهش قرار گرفته، آرزوهای طولانی مربوط به امور دنیایی و دلبستگی به مقامات و موقعیت‌های دنیایی است که انسان را از پرداختن به آخرت که مطلوبیت ذاتی دارد بازمی‌دارد. برخی برای رسیدن به موقعیت و مقام سال‌ها زحمت می‌کشند و با برای اینکه به اهداف سیاسی خود برسند حزب تشکیل می‌دهند. چنان‌که در کشورهای غربی رایج است که با هزار وعده و وعید و فریب و نیرنگ مردم را دور خود جمع می‌کنند تا در انتخابات رأی آنان را جمع کنند و پارلمان و مقام ریاست جمهوری را در اختیار خود گیرند. این رویه چون معطوف به دنیااست و فاقد انگیزه‌های متعالی اخروی است مذموم است. ولی تلاش دنیایی به عنوان انجام وظیفه و مقدمه دست‌یابی به کمالات اخروی و جلب رضای خدا و تحمل زحمات فراوان و طولانی برای رسیدن به مطلوب الهی بسیار ارزشمند است.

هنگامی که امام خمینی ره نهضت اسلامی را شروع کردند، هیچ‌کس احتمال نمی‌داد که به زودی نهضت پیروز شود و رژیم پهلوی ساقط گردد. اما امام و یاران امام با

تلاش‌های طاقت‌فرسا و تحمل تبعید و زندان و تحمل شکنجه‌ها و از دست دادن عزیزان خود، پس از پانزده سال به پیروزی رسیدند. هدف از آن همه گرفتاری‌ها و سختی‌ها برقراری حکومت اسلامی و اجرای احکام اسلام بود و چون هدف مقدس و معطوف به آخرت و در راستای جلب رضای الهی بود، ارزش آن را داشت که برای رسیدن به آن حتی صد سال تلاش مداوم و طاقت‌فرسا صورت پذیرد.

همچنین پژوهشگر و محققى که برای کسب عزت اسلامی و کسب افتخار برای کشور اسلامی خود و برای خودکفایی و بی‌نیازگشتن از قدرتمندان عالم به اختراع و کسب دانش‌های جدید دست می‌یازد، باید مورد ستایش قرار گیرد و تلاش‌های دیرپای او در زمینه علوم تجربی و دنیوی که با هدف کسب رضای خدا صورت می‌پذیرد، ارزشمند و مطلوب می‌باشند. همچنین دانشمندان علوم اسلامی که در زمینه علوم دینی و عقلی و برای پیشرفت دین خدا سالیان دراز زحمت می‌کشند، قابل ستایش و قدردانی می‌باشند و عمل آنان مرضی خداست. بی‌تردید این همت‌های بلند و تلاش‌های بی‌شائبه و استفاده بهینه از فرصت عمر و پیمودن مسیرهای طولانی، که به عنوان انجام وظیفه و گسترش معنویت در جامعه و ارتقای جامعه اسلامی در ابعاد گوناگون صورت می‌پذیرند، عبادت به حساب می‌آیند. هر اندازه مقدمات رسیدن به آن اهداف متعالی طولانی‌تر و فراوان‌تر باشند، ارزشمندترند. از این رو، خداوند درباره ارزش و فضیلت همراهی با رسول خدا صلی الله علیه و آله و تحمل سختی‌ها در راه اسلام فرمود: ﴿مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطْؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا

بنده خدا، ما را با سجده طولانی یاری رسان.» (۴)
 روشن شد که از نظر عقلا و شرع آرزوهای دور و دراز دنیوی که امکان تحقق ندارند و انسان را به خیال‌بافی‌های ابلهانه وامی‌دارند و نیز آرزوهایی که امکان تحقق دارند، اما انسان را از انجام تکالیف الهی و دست‌یابی به آثار و ثمرات قطعی اخروی باز می‌دارند، مضموم هستند. همان‌گونه که پسندیده نیست انسان آرزوهای دست‌نیافتنی را در ذهن پیرواند و فکر و ذهن خود را بدان‌ها مشغول سازد، همچنین شایسته نیست که انسان با آرزوی رسیدن به لذت‌های ناچیز و حقیر دنیوی خود را از پرداختن به تکالیف اخروی و الهی که نتایجی به مراتب بزرگ‌تر نسبت به لذت‌های دنیوی دارند باز دارد.

امید و رجحان آرزوهای اخروی بر آرزوهای دنیوی

در طلیعه این جلسه این پرسش را مطرح کردیم که آیا امید برای انسان لازم است و انسان باید امیدوار باشد؟ مجدداً در پاسخ به این سؤال باید گفت: امید لازمه زندگی است و بدون امید زندگی انسان تداوم نمی‌یابد. امید یکی از نعمت‌های الهی است. منتها چون آخرت دار تراحم نیست، انجام برخی از امور اخروی مانع پرداختن به دیگر امور اخروی نمی‌گردد و انسان می‌تواند به همه فعالیت‌ها و اندیشه‌های خود جهت و سمت‌وسوی اخروی ببخشد. در ارتباط با آخرت افراط معنا ندارد و از این نظر، هرچه امید انسان به آخرت و دست‌یابی به مقامات آن بلندتر و بزرگ‌تر باشد، پسندیده‌تر و حاکی از همت بلند انسان است. اما چون دنیا دار تراحم است و زیاده‌روی در پرداختن به برخی امور دنیوی انسان را از امور لازم دیگر باز می‌دارد، نباید در استفاده از نعمت‌های دنیوی دچار افراط و تفریط شد و باید حد و اندازه بهره‌برداری از آن نعمت‌ها را رعایت کرد تا انسان از امور لازم دیگر دنیوی و

كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿توبه: ۱۲۰﴾؛ مردم مدینه و بادیه‌نشینان پیرامونشان را نسزد که از [همراهی با] پیامبر خدا سرباز زنند و نه اینکه به [حفظ] جان‌های خویش رغبت کنند و از جان وی روگردان شوند [یعنی جان‌های خویش را از جان او عزیزتر شمارند]. این از آن‌روست که در راه خدا هیچ تشنگی، رنج و گرسنگی بدیشان نرسد و هیچ گامی در جایی که کافران را به خشم آرد نهند و ضربه‌ای به دشمن نزنند [و از آنان اسیر و غنیمت نگیرند و آنان را زخمی نکنند و نکشند] مگر اینکه به سبب آن، برای ایشان کار نیک و شایسته نویسند؛ که خدامزدنیکوکاران را تباه نمی‌کند. در روایات از آرزوهای طولانی که معطوف به دنیاست و امکان تحقق نیز دارند، نکوهش شده است چه رسد به آرزوهایی که امکان تحقق ندارند؛ مثل کسی که به خیال‌بافی مبتلا می‌گردد و در آن حال آرزو می‌کند که بزرگ‌ترین ثروتمند دنیا گردد. اما در ارتباط با آخرت، حتی آرزوهایی که تحقق آنها از توان انسان خارج است و به طور طبیعی انسان نمی‌تواند بدان‌ها دست یابد، مطلوب و پسندیده هستند و ناشی از همت بلند انسان می‌باشند. مثل کسی که می‌داند بین مقام او با مقام و منزلت رسول خدا ﷺ فاصله فراوانی است و حتی او از درک و فهم مقام و منزلت آن حضرت عاجز است، اما با این حال آرزو می‌کند که در آخرت هم‌نشین آن حضرت گردد. البته کسی که چنین خواسته‌ها و آرزوهای بزرگی دارد باید برای رسیدن به آنها تلاش کند و از انجام آنچه از او در زمینه خودسازی و نیل به تعالی و کمال برمی‌آید کوتاهی نکند. چنان‌که شخصی در پاسخ رسول خدا ﷺ که از حاجت و خواسته‌اش پرسش کردند، گفت: «حاجت من بهشت است. حضرت سر به زیر افکندند و فرمودند: بله و چون برگشتند خطاب به آن شخص فرمودند: ای

که انسان در رسیدن به نعمت‌ها و مقامات اخروی و معنوی کوتاهی نکند و از اسباب و امکاناتی که جهت رسیدن به آنها در اختیارش نهاده شده است کمال استفاده را ببرد. چنان نباشد که خواهان نیل به مقام اولیای خدا باشد، اما در انجام وظایف خود کوتاهی کند و تکالیف واجب خود را انجام ندهد و از انجام مستحبات خودداری ورزد و به عنوان مثال، در طی ماه رمضان که ماه عبادت و بهار قرآن است، قرآن را ختم نکند.

در ادامهٔ مناجات امیدواران، حضرت می‌فرماید: «کیف ارجو غیرک والخیر کله بیدک، وکیف او مل سواک والخلق والامر لک؟ اقطع رجائی منک وقد اولیتی مالم اسئله من فضلک؟»؛ چگونه به غیر تو امید داشته باشم، در صورتی که همهٔ خیر از توست؟ و چگونه به غیر تو آرزومند گردم، در حالی که فرمان‌روایی، حاکمیت و مالکیت آفرینش مخصوص توست؟ آیا من امیدم را از تو قطع گردانم در صورتی که تو از فضل و کرمات آنچه را من درخواست نکردم به من بخشیدی؟

گسترهٔ امید مؤمن به خدا و درخواست‌های متعالی از معبود

از فراز مزبور به دست می‌آید که درخواست انسان از خدا و امید او به فضل الهی نباید محدود باشد. بلکه انسان باید همهٔ نعمت‌های دنیوی و اخروی را از خدا بخواهد و امید آن داشته باشد که خداوند همهٔ نیازهای مادی و معنوی او را برآورده کند؛ فراموش نکند که خداوند مالک مطلق و حقیقی هستی است و کسی جز او نمی‌تواند آرزوها و امیدهای انسان را برآورده سازد. گذشته از نعمت‌های دنیوی نظیر ثروت، همسر خوب و آبرومندی در اجتماع، که باید از خدا درخواست شود، در ارتباط با امور اخروی نیز نباید امید انسان به خدا صرفاً معطوف به

نیز امور اخروی باز نماند. انسان در کنار امید، باید بیم و ترس نیز داشته باشد و نباید امید انسان از حد بگذرد و مانع بیم و ترس گردد.

انسان باید حد و مرز و شرایط استفاده از نعمت‌های الهی را رعایت کند. از این نظر، امید به نعمت‌های دنیوی در صورت رعایت شرایط و حد و مرز استفاده از آنها صحیح است. اموال و امکانات دنیوی نعمت‌اند، اما انسان نباید از راه حرام و تصرف در اموال دیگران بدان‌ها دست یابد. در این صورت، آنها نعمت به شمار می‌آیند نه نعمت. از جمله روا نیست که انسان امید تصرف در مال مردم و دست‌اندازی به حقوقشان را داشته باشد. امید بستن به نعمت‌های دنیوی در صورتی روا و پسندیده است که برای آخرت و برای تأمین نیازهای ضروری زندگی آن‌هم با رعایت حدود شرعی باشد. بخصوص اگر امید انسان در تأمین نعمت‌های دنیوی تنها معطوف به خداوند گردد و انسان امید به غیر خدا نبندد؛ چنان‌که خداوند در حدیث قدسی به حضرت موسی علیه السلام فرمود: «ای موسی، هرچه را بدان نیازمندی حتی علف گوسفند و نمک خورشفت را از من بخواه.»^(۵)

برای مؤمن نیازهای دنیوی مطلوبیت ذاتی ندارد، چه اینکه امور دنیوی به خودی خود ارزش اخلاقی نیز به حساب نمی‌آیند و او نعمت‌ها و امکانات دنیوی را برای تأمین سلامتی خود و کسب توانایی برای رسیدن به مقامات الهی و نیل به ثواب‌های ابدی آخرت می‌خواهد. نعمت‌های دنیوی، به خودی خود، مباح‌اند، اما ارزش به حساب نمی‌آیند و در صورتی ارزش به حساب می‌آیند که برای رضای خدا درخواست شوند. اما نعمت‌های اخروی دارای مطلوبیت ذاتی و ارزش هستند. از این نظر درخواست آنها و امید بستن به آنها مطلوب و پسندیده است. البته باید امید انسان به آنها صادق باشد، بدین معنا

فرمان او، چون چیزی را بخواهد، این است که گویدش، باش، پس می‌باشد.

توجه به این معنا در مقام دعا و مناجات به انسان جرئت می‌دهد که از خداوند درخواست‌های بزرگ داشته باشد و نیز باعث می‌شود که توجه به بی‌لیاقتی‌ها و آلودگی‌هایش او را از درخواست از خداوند باز ندارد. با توجه به این حقیقت، حضرت خطاب به خداوند می‌فرماید که خدایا، تو به من تفضل کردی و آنچه را من نخواسته بودم به من عنایت کردی، پس آیا سزد که مرا از خویش ناامید سازی و آنچه را از تو تمنّا و درخواست می‌کنم به من نبخشی؟ مشابه این تعبیر در دعای ماه رجب و دعای ابوحمزه ثمالی و سایر دعاها نیز وجود دارد و ائمه اطهار علیهم‌السلام بدین وسیله به ما تعلیم داده‌اند که در مقام دعا، همت بلند و هدف‌های متعالی داشته باشیم و آرزوها، امیدها و درخواست‌های بزرگ داشته باشیم و به چیزهای پست و کوچک قناعت نکنیم.

فراموش نمی‌کنم که در عهد کودکی که به دبستان می‌رفتم، برای اولین بار از یزد به قم مسافرت کردم و در مسیر، راننده برای اینکه خوابش نرود با ما صحبت می‌کرد و گاهی پشت فرمان سوره یوسف را از حفظ می‌خواند. او به من گفت: اکنون که می‌خواهی به قم بروی و به زیارت حضرت معصومه علیها‌السلام مشرف شوی، از آن حضرت چه می‌خواهی؟ گفتم نمی‌دانم که چه بخواهم. او از من پرسید که ثروتمندترین افراد در شهر شما کیست؟ من کسی را که در آن زمان معروف بود در یزد از همه ثروتمندتر است نام بردم. گفت اگر گدایی با زحمت و با راضی کردن دربان خانه آن شخص خودش را به او رساند و درخواست یک شاهی و یا یک ریال کرد، مردم به او نمی‌خندند که چه انسان احمقی است که در نزد انسان ثروتمندی چنین پول حقیر و بی‌ارزشی را درخواست

نجات از جهنم و نیل به نعمت‌های ظاهری بهشت، نظیر حور و غلمان و خوردنی‌های بهشت‌گرد، بلکه فراتر از آنها، انسان باید آرزوی نیل به مقامات عالی بهشت و همنشینی با انبیا و اولیای خدا را داشته باشد و از خداوند بخواهد که او را به مقام قرب خویش بار دهد. نباید نگرستن در وضع و حال خود و توجه به کوتاهی‌های خویش در کسب رضای خداوند و کاستی‌هایی که در جنبه‌های معنوی دارد، او را از درخواست‌های بزرگ باز دارد. نباید تصور کند که اگر از خداوند مقامی چون مقام سلمان را درخواست کند، بدو خواهند گفت که تو را با این پلیدی‌ها و زشتی‌های رفتارت و کوتاهی‌ات در نیل به تعالی و کمال، چه رسد به درخواست نیل به مقام بندگان خاص و برگزیده خدا و کسانی که سراسر عمرشان در مسیر کسب رضای الهی طی شد و لحظه‌ای از انجام تکالیف و وظایف الهی کوتاهی نکردند.

توجه به یک نکته اساسی به انسان جرئت می‌بخشد که درخواست‌های بسیار بزرگ از خداوند داشته باشد و امید نیل به عالی‌ترین مقامات را در ذهن خود پیروراند، و آن اینکه خداوند دارای قدرت و مالکیت نامتناهی است و هرچه به هر کس عطا کند، از دارایی و ملک او کاسته نمی‌شود. خداوند می‌تواند همه نعمت‌های دنیا را به یک نفر عطا کند و همسان با آنها نعمت‌های دیگری خلق کند و در اختیار بنده‌ای دیگر قرار دهد. هرچه او به بندگانش ببخشد از دارایی و ملک او کاسته نمی‌شود؛ چون آنچه را او بخواهد بی‌درنگ با یک اراده و فرمان خلق می‌شود:

﴿أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (یس: ۸۲-۸۱)؛ آیا آنکه آسمان‌ها و زمین را آفرید بر آفریدن همانند آنها توانا نیست؟ چرا، [تواناست]، و اوست آفریدگار دانا. جز این نیست که کار و

پی‌نوشت‌ها

- ۱- مناجاة الراجين.
- ۲- نهج البلاغه، خ ۴۲.
- ۳- سيد محمدحسين طباطبائي، الميزان، ترجمه سيد محمدباقر موسوي همداني، ج ۲۰، ص ۷۹۹.
- ۴- محمدبن يعقوب كليني، الكافي، ج ۷، ص ۲۶۶، ح ۸.
- ۵- محمدباقر مجلسي، بحارالانوار، ج ۹۳، ب ۱۶، ص ۳۰۳، ح ۳۹.

می‌کند؟ او به من گفت که وقتی به حرم مشرف شدی چیز کم نخواه و درخواست مال دنیا که ناچیز و حقیر است از حضرت معصومه علیها السلام نداشته باش. آن راننده که امیدوارم خداوند با پیشوایان معصومش محشورش گرداند، به من درس اخلاق داد و به من یادآور شد که نهایت دونه‌مندی است که انسان در مکان‌های مقدس و روزها و شب‌های خاصی چون ماه مبارک رمضان و شب‌های قدر درخواست‌های حقیر دنیوی از خداوند داشته باشد، بلکه در این فرصت‌های طلایی و ارزشمند باید از خداوند نیل به رضوان و مقام قرب الهی و توفیق بندگی را درخواست کرد. حضرت در ادامه مناجات چنین می‌فرمایند: «ام تقفرنی الی مثلی وانا اعتصم بحبلک؟ یا من سعد برحمته القاصدون، ولم یثق بنقمته المستغفرون»؛ آیا تو مرا به گدایی چون خودم محتاج می‌سازی در حالی که به رشته لطف و کرمت چنگ آویخته‌ام؟ ای خدایی که ارادتمندان و جویندگان خویش را با رحمت خویش سعادتمند ساخت و آمرزش خواهان از خویش را با نعمت و عذاب خود به شقاوت و رنج نمی‌افکند. ثروتمند گدایی را که به در خانه‌اش آمده و حاجت دارد، به گدایی از دیگری حواله می‌دهد؟ چگونه ممکن است خداوندی که مالک علی‌الاطلاق است و هرچه بنده‌اش بخواهد می‌تواند به او عنایت کند و هرچه ببخشد از ملک و دارایی او کاسته نمی‌گردد، بنده فقیر و نیازمند را از درگاه خویش براند و ناامید سازد تا او به نزد بنده فقیری چون خود برود که سرتاپا نیاز و از رفع نیاز خود عاجز است، چه رسد که نیاز غیر خود را برطرف سازد؟ انسان به واسطه رحمت الهی به سعادت می‌رسد و استغفار عامل بهره‌مندی از رحمت الهی و رهایی از نعمت و عذاب الهی و شقاوت است. در این صورت، نایل گشتن به سعادت واقعی و رهایی از شقاوت درگرو یاد خدا و استغفار از اوست.

